

# طبیعت شعر، و تأملی در تحول شعر فارسی

نوشته دکتر سیدجعفر حمیدی

شعر را حد و مرزی نیست و اگر دارای حد و مرزی باشد در هر دوره‌ای بنا به مقتضیات زمان و روزگار، توسط کس یا کسانی این حد و مرز فرو می‌ریزد تا پرش و گسترش بیشتر برای این پرنده سبکبال زرین خال پدید آید. این عبور از مرزبندی مرسوم نه به معنای نفی ارزش‌های موجود است بلکه هدف دستیابی به فضاهای بازتر و گسترده‌تر خواهد بود. ما، در طول عمر دراز شعر فارسی شاهد تطور، تحول و ابداع بوده‌ایم. در کنار آن، به ندرت رکود و توقف نیز نمود کرده و چهره خود را نشان داده است. اما در هر دوره‌ای از تحول، مقاومت و صاف‌بندی نیروهای قبلی شعر نیز وجود داشته و یا در کنار تغییرات جدید، گونه‌های قدیمی نیز در حد توان به تنفس خویش ادامه داده‌اند. تطور شعر از سبک خراسانی به عراقی، از عراقی به هندی و تحولات بعدی، از این واکنش‌ها مصون نبوده‌اند. در پیدایی و تحول شعر، به شکل امروز، این ایستادگی‌ها و مقاومت‌ها، بیش از گذشته چهره نشان داده‌اند، مخالفت‌های اولیه و حتی متأخر با پدیده شعر امروز از آغاز قرن اخیر، شواهدی بر این مدعایند. اما به راستی در عصر نیا، زمینه‌های تحول شعر فراهم آمده بود یا خیر؟ قدر مسلم این است که پیدایش هر دگرگونی و عبور از خط قدیم به سوی جناده جدید مستلزم فراهم بودن زمینه و موقعیت برای حفظ ارزش‌های موجود خواهد بود. آغاز قرن چهاردهم هجری شمسی سرآغاز

پیدایش دگرگونی در شعر فارسی است. تثبیت این دگرگونی و به هدف رسیدن مقاصد بنیان‌گذار اندیشه تحول، بی‌تحمل مشقات و مصایب صورت نگرفته است. طعنه‌ها، سرزنش‌ها، مزاحمت‌ها و رفتار و کردار جهلانه و ناشایسته، هیچگاه از سر پدیده جدید دست بر نداشته‌اند. آیا کار نیما یک عمل شجاعانه و متهورانه بود؟ به طور قطع چنین است. ای بسا که اندیشه این تحول از خاطر کسانی هم گذشته بود، ولی اظهار آن فقط از توان نیما برمی‌آمد. کسی چه می‌دانست که از روستایی گمنام در دل کوه‌های بلند و دورافتاده مازندران مردی برخیزد که پرچمدار تحول شعر فارسی شود. چه کسی می‌دانست که روزگاری فرارسد تا سالی را به نام او و یاد او نامگذاری کنند؟ اما این نامگذاری و اشتهار به آسانی پدید نیامده است و چنان‌که اشاره شد تثبیت و استقرار پدیده جدید شعری چه بسیار سرزنش‌ها و طعن و اذیت‌ها به همراه داشته است و این هم امری طبیعی است و تنازع بین پدیده‌های قدیم و جدید، همیشه وجود داشته است. حتی جدال بین منتقدان، شعرشناسان و شاعران، تازگی نداشته و ندارد.

شعر یکی از عالی‌ترین پدیده‌های روحی و روانی انسان است، که خدای بزرگ به ودیعت و امانت به زمین فرستاده است و قلم، این شگرف‌ترین مظهر هستی، این امانت را به انسان فریاد داد تا نشانه‌های روح، که از امر پروردگار است<sup>(۱)</sup> جاودان و برقرار بماند.

سرزمین مقدس ایران از گذشته‌های دور به داشتن شاعران و عالمان و نویسندگان و گویندگان و

هنرمندان و دانشمندان بزرگ، مفتخر و مباهی بوده است و به شعر، یعنی زاینده شعور آدمیان ارج و اعتبار بسیار می‌نهاده است. لکن نکته‌ای که بیان آن البته تکرار مکررات است این است که شعر با تمام عظمتش و با تمام اعتباری که داشته، متأسفانه بیشتر اوقات در مدح امیران و وزیران و حاکمان و حتی عمله جور بوده است. بر سر سفره شاهان و خوان رنگین امیران و وزیران و صدور اکابر، جای داشته و به ویژه از قرن سوم تا ششم هجری قمری در اختیار مدح و ستایش نیز بوده است.

حضور عرفان در شعر فارسی از اواخر قرن ششم تا آخر قرن نهم، صنعت مدح گسترتری را کمرنگ و حتی بیرنگ ساخت، اما دوباره با خاتمه عصر عرفان و آغاز قرن دهم، مدح در شعر شاعران راه یافت و در عصر قاجار یعنی قرن سیزدهم، کمتر شاعری بود که زبان خود را به مدح و ستایش نیالوده باشد. با تمام این احوال، افزودن دو نکته بر این مقال، خالی از لطف و حال نخواهد بود.

۱- با اینکه در شعر این شاعران چاپلوسی و مدیحه‌سرایی از حد گذشته، تا آنجا که ملال آور و رقت‌بار شده بود، در استادی و مهارت این شاعران هیچ شک و شبهه‌ای وجود نداشته و ندارد. آنها بر تمامی اصول سخن مثل نقدالشعر و معانی و بیان و بدیع و عروض و غیره تسلط داشته‌اند. شعر را خوب و بدون غلط می‌سرودند و رعایت قواعد شعر و شاعری را می‌نمودند.

۲- با همه مدح گسترگی و تعریف و تمجید و زبان‌آوری که داشته‌اند، این شاعران هیچگاه از

INTERNATIONAL COURIER SERVICE

شرکت حمل و نقل بین المللی آرامکس



با پانزده سال سابقه در نشان  
حمل و نقل بین المللی هوایی در جهان

آرامکس

ARAMEX

It's A Small World

آدرس: خیابان فلسطين، پایین تر از میدان فلسطين، شماره ۱۵۱

تلفن: ۰۳۹۴۰۶۴، ۱۴-۶۴۹۳۹۱۳ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶ صندوق پستی: ۱۱۹۱-۱۴۱۵۵ تهران - ایران

151, Felestin Ave., P.O.Box: 14155 - 1191 Tehran - IRAN, Tel: 6493913-14, 6403940 Fax: 6404396 E.MAIL: ARAMEX @ W W W.DCI. CO.IR

اساس تازه‌ای را بنیان نهد، اما شنیدیم و دیدیم که مشروطیت نتوانست اساس نوینی را بنیاد گذارد، لکن هلهله‌های جانبی آن بر سراسریات این دیار سایه گسترد و شعر و نثر ایران از آن به بعد تحول یافت و به بار نشست. اندیشه بافت‌های دهخدا، جمال‌زاده و هدایت در نثر و تخیلات شاعرانه نیما و شاگردان وی در شعر، فرش زمردین چمن نثر و شعر ایران را گسترد و ذره ذره، تار و پود این فرش را در هم آمیخت و سرانجام شعر و نثر معاصر، حیات دوباره یافتند. در این میان نیما - علی اسفندیاری - (۱۳۳۸-۱۲۷۶ هـ) بود که طعن و لعن و ذم و شتم را تحمل کرد و از دشنام‌ها و ناسزاها نهراسید و نترسید از آن که شعرش را: «در دستگاه مساهور و سه گاه و دشتی، نمی شود خواند» (۲)

## هلهله‌های جانبی مشروطیت بر سر ادبیات این دیار سایه گسترد و شعر و نثر ایران از آن به بعد تحول یافت و به بار نشست.

جاده شریعت منحرف نشده‌اند و ماکوچکترین لغزشی را در دینداری و خداشناسی آنان نمی‌بینیم و عشق و علاقه اکثر آنان به ائمه اطهار به ویژه به حضرت علی (ع) قابل توجه و تأمل است. مدح و منقبت علی علیه‌السلام، امام حسین (ع) و سایر ائمه اطهار در بین شاعران شیعی و غیرشیعی رواج داشته است و بنابراین اگرچه بنا به موقعیت روزگار، این شاعران، مدح و تحسین امیران و وزیران را پیشه خود کرده بودند، از مدح و منقبت بزرگان دین نیز مضایقه‌ای نداشتند.

اما به هر تدبیر، شعر زینت‌بخش دربارها بود و مداحان امیران از رویدادها و حوادث و فقر و فاقه و رنج و عذاب مردم خیر نداشتند و نمی‌دانستند که خارج از دربار چه می‌گذرد و شعر منحصراً وابسته به دربار بود.

آخرین بازماندگان شاعران درباری، همزمان با پیدایش مشروطیت راه خود را در پیش گرفتند و بعضی از آنان نیز در همان حال و هوای گذشته خویش، آخرین سروده‌های خود را به تکرار زمزمه کردند. اما زمزمه‌های بیداری شور و طربی

- ۱- یسنلونک عن الروح، قل الروح من امر ربي
- ۲- اشارتی است به گفته نیما در جواب مقاله علی دشتی که در ماهنامه اطلاعات دیماه ۱۳۳۳ به چاپ رسیده بود.

دیگر را بر می‌انگیخت و از میان ادب گستران و شعرپروران، و سوسه‌ها فرو می‌ریخت،

# مبلیکت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



# MOBILIQUETTE

آدرس: خیابان مطهری، بعد از امیر اتابک، شماره ۱۵۸، تلفن: ۸۳۵۴۲۹-۰۷۰۲۴۰۸۸۲